



شنبه 30 خرداد 1394 - 07:35

## وحشت مدعیان اصلاحات از پیام مقاومت شهدا

مثل کویر تشنه باران در قلب تابستان داغ و سوزان، تهران مدتها در انتظار قدوم شهیدان بود و سرانجام پس از مدتها، مردم تهران نگین زیبای 270 شهید سرافراز و عزت آفرین را در حلقه اشک و آه خود گرفتند و با شکوه‌ترین صحنه‌های عاشقی را با آنها رقم زدند.

مثل کویر تشنه باران در قلب تابستان داغ و سوزان، تهران مدتها در انتظار قدوم شهیدان بود و سرانجام پس از مدتها، مردم تهران نگین زیبای 270 شهید سرافراز و عزت آفرین را در حلقه اشک و آه خود گرفتند و با شکوه‌ترین صحنه‌های عاشقی را با آنها رقم زدند. روز سه‌شنبه، از هر طیف و گروهی در مراسم تشییع شهدا حضور داشت. نسل سومی و چهارمی‌ها بودند، رزمنده‌ها و جانبازها هم بودند، زن‌های جوان و مادران شهدا، پدران قد خمیده و سربلند و... خلاصه همه و همه آمده بودند. شهدا بار دیگر مظهر انسجام و اقتدار ملی شده بودند و باردیگر آمده بودند تا اندوه‌ها و بغض‌ها و خستگی‌های مردم را یکجا با عطر بهشتی خود از جامعه بزدايند و نشاط و ایمان را دوباره به ما برگردانند. آمده بودند تا غبار تردید و تشکیک را از دل‌ها پاک کنند. این را از چشمان بارانی زن جوانی که غریبانه مویه می‌کرد می‌شد فهمید، از صورت داغ و سرخ شده نوجوان نسل چهارمی که زیر آفتاب داغ، ساعت‌ها ایستاده بود تا بدرقه‌گر مسافران بهشت باشد، از دست لرزان مادری که پس از سی سال عکس جوان رعناي شهیدش را دردست گرفته بود و خمیده قد و استوار قامت پشت سر تابوت شهدا مویه می‌کرد. از همه صحنه‌های آن روز به یاد ماندنی، این موضوع کاملاً پیدا بود

خفاشانی که نور حقیقت را بر نمی‌تابند!

این همه زیبایی اما برای برخی تلخ و غیرقابل تحمل بود! شاید باور این جمله سخت باشد و کسی تصور نکند که عده‌ای در ایران و در زیر سایه شهیدان در امنیت و آرامش زندگی بکنند، اما از اتحاد مردم زیر تابوت‌های گلرنگ شهدا ناراحت باشند! اما بودند! از چند روز قبل از تشییع شهدا، جریانی که خود را به دروغ نماینده مردم قلمداد می‌کند می‌کوشید مراسم تشییع شهیدان را به میتینگ حمایت از دولت تبدیل کند! آنها پوستری طراحی کردند و در آن از به اصطلاح همفکرانشان خواستند روز سه‌شنبه با بازو بند مشکی و مچ بند «بنفش» در مراسم حاضر شوند! عده‌ای از همان‌ها نامه‌ای به رئیس‌جمهور نوشتند و در فضای مجازی منتشر کردند و بعد از کلی آسمان وریسمان بافتن، از رئیس‌جمهور محترم خواستند «لااقل یک روز، روز تشییع پیکر قهرمان‌هایمان، نگذارید بلندگوهای بزرگ در دست؛ آنها (!) باقی بماند. ما به تدبیر شما هنوز امیدواریم!» کاملاً معلوم بود که آنها در فکر اردو کشی خیابانی هستند و اصلاً برایشان مهم نیست که مراسم وداع با شهیدان که مایه وحدت ملی و تجدید میثاق با آرمان‌هاست، نباید وسیله قدرت‌طلبی عده‌ای خاص بشود.

طنین پیام شهیدان در قلب مردم

روز سه‌شنبه اما اتفاق دیگری افتاد! مردم از همه قشر و رنگ و قبیله‌ای آمدند. کسی از بغل دستی‌اش نپرسید حامی دولتی یا مخالف دولت! نپرسید در انتخابات به چه کسی رای دادی و نسبتت با دولت چیست! کسی با دست بند بنفش دیده نمی‌شد! کسی با هیچ نشان و شمایل و حمایلی نبود جز یک نشان و آن عشق و ارادت به شهیدان و سالار و مقتدايشان سیدالشهدا(ع) مردم شعاری در حمایت از دولت نمی‌دادند! شعاری در مخالفت هم نمی‌دادند! اصلاً برایشان این چیزها مهم نبود، برای آنها مهمان‌ها که در اصل صاحبخانه و صاحبان اصلی انقلابند - مهم بودند. مردم همه هوش و حواسشان به آنها بود. هم آنها که هرگز با هیچ شهیدی هم نفس نبودند و سالها بعد از آنها متولد شده بودند و هم آنها که سالها در کنارهم، در یک میدان و یک سنگر جنگیده بودند، همه در لحظات بدرقه آنها، تنها و تنها به یک چیز می‌اندیشیدند و یک صدا یک چیز می‌گفتند، همان حرف و سخنی که شهدا به پیروی از مقتدايشان گفته بودند؛ «هیئات منالذله!» در وصیت بیش از 95 درصد شهدا بر اطاعت محض از ولی فقیه تاکید شده و در وصیت بیش از نود درصد آنها بر لزوم ایستادگی در برابر آمریکا تا پای جان تاکید شده بود. تاکیدی که شهدا در عمل هم به آن وفادار ماندند و جان در راهش نهادند. مردم هم با تاسی به دستور و خواست شهدا، فریاد اطاعت از رهبری و «وای اگر خامنه‌ای حکم جهادم دهد...» و «مرگ بر آمریکا» سر داده بودند.

پنجه بر رخ آفتاب!

اما هنوز مردم در راه «معراج شهدا» بودند، که آنها که هیچ نسبتی با شهیدان ندارند و شهیدان «لال» را به شهیدان «پیام‌آور» و شهیدان «مرد» را به شهیدان «زنده» ترجیح می‌دهند، شروع به نفرت‌پراکنی و عقده‌گشایی کردند کینه‌ها و بغض‌هایشان دوباره سر باز کرد و تعفنش در همه جا پراکنده شد! گفتند و نوشتند که؛ تشییع شهدا میتینگ سیاسی بود! اصلاً تشییع نبود! چرا مرگ بر آمریکا می‌گفتند! چرا شهدا را مصادره کردند و.....! آنها نوشتند شهدا رنگ نداشتند! یعنی شهدای گمنام «رگ» هم نداشتند!! نوشتند فقط برای خداحافظی آمدیم! و یادشان رفت که آنها و بزرگ‌تر از آنها هم در سایه و حفاظ شهدا زنده‌اند نه برعکس! فلان معاون رئیس‌جمهور بعد از چند هفته از آمدن شهیدان گمنام، تازه یادش آمد که باید در شبکه اجتماعی یادی از آنها بکند و برای آنها دل بسوزاند! او نوشت: «امشب عجیب ذهنم درگیر این موضوع شده و مدام با خودم کلنجار می‌روم که ای کاش شهدا توسط عده‌ای مصادره به مطلوب نمی‌شدند! در هیچ جای دنیا با این سرمایه‌ها چنین نمی‌کنند!؟) امشب (سه‌شنبه) بارها از خودم سؤال کردم آیا شهدا و خانواده‌هایشان راضی هستند که دستمایه تسویه حساب‌های سیاسی و بازی با منافع ملی باشند. ای کاش عده‌ای حداقل با تشییع این پیکرهای مطهر کاسبی نمی‌کردند!)) و نگفت چرا از هیئات من‌الذله گفتن مردم لرزه بر اندامش افتاده و احساس می‌کند دنیایش به خطر افتاده است!؟ فلان آقای وزیر به جای همراهی با موج مردم، سرخورده از به بار نشستن آمال سیاسی و حزبی‌اش در تشییع شهدا نوشت: «دیروز (سه‌شنبه) اما یک بار دیگر شاهد بودم، بسیاری از آنها که شعار دفاع از شهیدان سر می‌دهند تا چه حد با اهداف و عقاید شهدا بیگانه‌اند و آرزو کردم اینان باور کنند برگزاری میتینگ سیاسی در سایه نام بلند پاک‌ترین فرزندان این مرز و بوم، نه گام زدن در صراط مستقیم که پیمودن راه نفاق و خیانت به آمال شهیدان این مظلومان همیشه تاریخ است.» و نگفت که چرا فکر می‌کند مرگ بر آمریکا خیانت به آرمان شهیدان است! روابط عمومی فلان قوه در بیانیه عجیبی که معلوم نیست ترجمان فکر و اندیشه کدام انسان مسئول و آزاده آن دستگاه است، آن همه زیبایی را ندید و چشمانش را بر روی حقیقت بست و صرفاً به جانبداری موهوم از این و آن پرداخت و دغدغه‌های انتخاباتی عده‌ای را به پیام شهدا ترجیح داد! فراموش کرد که رهبر عزیز انقلاب درباره آن مراسم تاریخی چه گفته و نگران شد که مبدا «هیئات من‌الذله» مردم، دامن آنها را بگیرد! فلان مدعی عقل و درایت که در کارنامه‌اش دفاع از رضاخان و سینه‌چاکی برای آمریکا و اسرائیل ثبت و ضبط است، عصبانی از حضور میلیونی مردم، عقده فروخته‌اش را بروز داد که ای کاش حامیان ما! هم فرصت اردوکشی خیابانی داشتند و بعد شرافت مجهولش را گرو گذاشت که آشوبی نمی‌شود و شیشه‌ای نمی‌شکند! فراموش کرد که تشییع شهدا بوده نه اردوکشی خیابانی و مسابقه توحش با جانیان فتنه 88! نهمید که از همه طیف و قشری با هر وضع ظاهری و با هر سلیقه سیاسی به این پویش عظیم ملی آمده بودند. نهمید چون نیامده بود. چون مثل خیلی‌های دیگر از جنس خودش هیچ نزدیکی و پیوندی بین خودش و مردم آن روز و شهیدانی که بر سر دست مردم می‌رفتند نمی‌دید که اگر می‌دیدند، می‌آمدند. فراموش کرد که همان‌ها که او امروز شرافتش! را برای صحت عمل آنها گرو می‌گذارد، در فتنه 88 ده‌ها تن را کشتند و شهرآشوبی به پا کردند به طمع خام سرنگونی نظام! و البته تیرشان به سنگ خورد و از مردم تودهنی خوردند. روزنامه‌هایشان جیغ بنفش کشیدند. برای صاف‌بندی خیالی و کودکانه به بیانیه‌سازی روی آوردند کوشیدند خانواده شهدا را در مقابل مردم قرار دهند! اما کوتاه زمانی بعد که فرزندان و بازماندگان شهدا امضا‌هایشان را تکذیب کردند، دروغشان مثل بارها و بارهای قبل ثابت شد و به حفره‌هایشان خزیدند. در نهایت و در اقدامی انتحاری، طرحی توهین‌آمیز از شهیدان به سبک نقاشی‌های اومانیستی و پوچ‌گرای اروپای بی‌خدا در توصیف شهیدانی که جان در راه دوست گذاشتند، منتشر کردند تا بغض خود را به تمامی نشان داده باشند! این حرف‌ها و خیلی حرف‌ها و عقده‌گشایی‌های دیگر نشان داد آنها چه نگاهی به شهیدان دارند و چه انتظاری از مراسم آنها دارند و در یک کلام شهدا را برای چه می‌خواهند! و اکنون که انتظار و سودای خامشان محقق نشده، نشسته‌اند به غر زدن و طعنه زدن به مردم و عاشقان شهدا!

آبی گوارا بر آتش دل‌های سوخته

اما نفرت‌افکنی کینه‌جویان و پیروان بی‌بی‌سی و اربابانشان، با یک سروش غیبی و یک نوای قدسی، خنثی شد و دل دریایی اما سوخته و غمگین مردمی که خسته و گرم‌زده از تشییع پیکر عزیزانشان برگشته بودند، با نسیم روحبخش پیام مراد و مقتدای عاشقان آرام گرفت. رهبر عزیز انقلاب با پیام خود، دل‌های داغدار و آتشفشان شده از فراغ شهیدان را تسلی بخشید و به سبک زیارات ماثور از ائمه هدی(س) به شهیدان سرافرازمان سلام کرد، از آمدنشان «در لحظات حساس» شکرگزاری و از مردم به‌خاطر حضور زیبا و ارادتمندان‌اشان، قدردانی کرد و وقتی نوشت: «حضور پر مضمون امروز شما در تشییع این دردانه‌های به میهن بازگشته، یکی از به یادماندنی‌ترین حوادث انقلاب است؛ رحمت خدا بر شما» نشان داد که مردم راه را به‌درستی رفتند.

چرا از هیئات من‌الذله به وحشت افتاده‌اید!؟

اما باید پرسید آن روز به جز آرمان شهدا، به جز حرف دل شهدا، کسی چیز دیگری هم گفت؟ به جز مرگ بر آمریکا و مرگ بر اسرائیل، به جز یا حسین و به جز هیئات من‌الذله، حرف دیگری هم در میان بود!؟ اگر می‌گویید جز اینها بود، یا نبودید یا به سادگی و بی‌پروا از حرمت شهیدان دروغ می‌گویید! باید پرسید شما چه کرده‌اید و چگونه زندگی می‌کنید که می‌تسید آرمان شهیدان بیان شود!؟ چرا مدعی هستید با فریاد مرگ بر آمریکا، شهدا مصادره شدند!؟ یعنی احتمال می‌دهید شهدا به این شعار راضی نبودند!؟ احتمال می‌دهید که در بین 270 سینه‌سرخ مهاجر، شهیدانی بوده‌اند که فریادشان «درود بر

آمریکا» بوده است!!؟ اگر زلف شما به آمریکا گره نخورده، چرا باید از فریاد مرگ بر آمریکای مردم آزرده شوید؟! چرا وقتی گفته می‌شود: «نه سازش نه تسلیم نبرد با آمریکا» می‌گویید این سخن، تبدیل تشییع جنازه به میتینگ سیاسی علیه دولت و مصادره و بهره‌برداری از شهیدان است؟! مگر خدای نخواستہ دولت در صدد تسلیم در برابر آمریکا است که این سخن علیه او به حساب آید؟! مگر شهیدان حرفشان همین نبوده؟! آیا آنها در صدد تسلیم و سازش در برابر آمریکا بودند؟! آیا معتقدید آنها هم آمریکا را «کدخدا» می‌دانستند؟! می‌دانیم و می‌دانید که چنین نیست و آنچه در قاموس شهدا راه نداشت، تسلیم و ذلت و سازش کاری بود. به نظر می‌آید با همه ادعاهایتان، ذره‌ای شهیدان را نشناخته‌اید و ساعتی با آنها هم نفس نبودید، حتی به فرمایش امام هم عمل نکردید و وصیت‌نامه آنها را نخواندید و گرنه از فریاد هیئات منالذله مردم این‌گونه به وحشت نمی‌افتادید! از این فریاد به وحشت افتاده‌اید چون سال‌هاست راهتان از راه آنها جدا شده و سال‌هاست کاری می‌کنید که خلاف پیام و آرمان شهیدان است و برای همین است که می‌ترسید مردم از شما عمل به «پیام» آنها را بخواهند! می‌ترسید در جامعه مطرح شود شهدا «پیامی آورده‌اند» و نسل سوم و چهارم از شما بپرسند پیامشان چیست و مخاطبش کیست، با که مبارزه می‌کردند برای چه آرمانی جان دادند، امروز آن آرمان‌ها چه حالی دارند و...؟! می‌ترسید که به دستور امام راحل، تشییع فرزندان ملت میتینگ سیاسی در محاکمه آمریکا و اذنباش شود! آرزو داشتید می‌توانستید تاریخ را این‌گونه تحریف کنید که غواصان ما نه در جنگ با آمریکا و جیره‌خوارانش، که در جریان «مسابقات واترپلو المپیک» از دنیا رفته‌اند! نه با آمریکا دشمنی داشته‌اند و نه علیه هیچ ظالمی حرفی زده‌اند! انسان‌های خنثی و گل و بلبل بودند که با هیچ ظالم و کافری مرز بندی نداشتند! و چون این سودای خام را با فریاد هیئات منالذله مردم به گور خواهید برد، با مردم و شهیدانشان بد دهنی می‌کنید!

به هر حال سه‌شنبه در تاریخ ایران و در حافظه ما به روشنایی آفتاب ذخیره شد. معیار ما برای این سخن، پیام رهبر عزیزتر از جانمان است که شهدا را ناجی ملت در لحظه‌های حساس معرفی کردند و از ملت به خاطر قدرشناسی از آنها تقدیر کردند. لبخند رضایت او به اخم همه دنیا می‌ارزد. آنها که آرزو داشتند تشییع فرزندان راستین و نستوه ملت را به امیال حقیر خود و میتینگ‌ها و جنبش‌های کودکانه‌ای همچون «فلانی تنها نیست» گره بزنند و برای آن پوستر و دعوتنامه طراحی کردند تیرشان به سنگ خورد و خواهد خورد و هم از این روست که خشمگین و عصبی پنجه بر دیوار می‌کشند و صدایشان را به سرشان انداخته‌اند و در مصاحبه با این و آن و در فضای مجازی، هرچه دلشان می‌خواهد به ملت می‌گویند.

ملت الگوی خود را امام راحل عظیم‌الشان می‌داند که سال‌ها قبل درس آن را به مردم داده است: «عزاداری برای شهیدی که همه چیز را در راه اسلام داده، یک مسئله سیاسی است. یک مسئله‌ای است که در پیشبرد انقلاب اثر به سزا دارد»

حال باید از آنها که می‌خواهند شهیدان «مرده» باشند و قبول نکنند که «پیامی آورده‌اند» پرسید با این سخن امام چه می‌کنید؟! شهید زنده است و پیام دارد و تلاش شما برای خاموش کردن صدای شهیدان هرگز به جایی نمی‌رسد چرا که این وعده الهی است: «بیریدون لیطفووانور الله بافواهمم والله متم نوره و لو کره الکافرون. می‌خواهند نور خدا را به دهان‌ایشان خاموش کنند ولی خدا کامل‌کننده نورخویش است، اگرچه کافران را ناخوش آید»